

انقلاب و مردم

عباس عبدي

به علي در سه دهه گذشته درباره مرحوم امام به جز يك تحقيق و مقاله و يكي، دو يادداشت چيز ديگري ننوشته‌ام. ولي امسال به اين نتيجه رسيدم که بهتر است آن مقاله خود را با رويکرد مشخص‌تري بنويسم. يكي از بدترين و زشت‌ترين اقدامات پايه‌گذاران نواصولگرايي که از حدود دو دهه پيش آغاز کردند، تحريف مفهوم انقلاب و نقش مردم و نيز مواضع مرحوم امام در اين زمينه است. آنان چون شهامت نداشتند تا صريحا اعلام کنند که مواضع امام يا اصل انقلاب را نمي‌پذيرند، در نتيجه ریاکارانه اقدام به تحريف آنها کردند. منظورم تحريف جاينگاه مردم و راي مردم در انقلاب و نظام به ويژه در آراي مرحوم امام است. به نظر من مخالف يا منتقد نظرات امام بودن مشکلي نيست، به ويژه آنکه نظرات ايشان هم در حال تحول بود. براي اثبات اين ادعا مي‌توان تفاوت فراوان ميان رويکرد کتاب کشف‌الاسرار را با فتاواي سالهاي انقلاب و دهه ۱۳۶۰ ايشان مقايسه کرد که سه دهه بعد نوشته‌اند. ولي کسي حق تحريف را ندارد.

موضوع تحريف به تعريف از انقلاب و جاينگاه مردم برمي‌گردد. معنای انقلاب و انقلابي را بايد از دو منظر روشي و محتوايي تفکيک کرد. معنای روشي آن را نبايد قرباني برداشته‌هاي محتوايي کرد. زيرا وجه ثابت انقلاب، روش است و نه محتوای در حال تحول آن. چه زماني انقلاب رخ مي‌دهد؟ زماني که حکومت مستبد شود و مانع تحقق حضور و مشارکت و اعمال حق حاکميت ملت شود. اين يك بحث روشي است و نه محتوايي. به همين علت از وجود انقلاب‌هاي گوناگون حرف مي‌زنيم که همه در اين ويژگي و تعريف مشترک هستند، در حالي که محتوای مورد نظر مردم‌شان ممکن است با يکديگر تفاوت داشته باشد. در ايران نيز همه نيروها از مذهبي و غيرمذهبي، از ليبرال تا کمونيست همه و همه در انقلاب حضور داشتند، در حالي که به لحاظ محتوايي در تقابل با يکديگر بودند کسي هم به آنان نگفت که حق شرکت در فرآيند انقلاب را ندارند. پس بنیان انقلابي بودن، التزام به اين اصل يعني حاکميت بدون استثنای مردم است. از اين مرحله به بعد، هر کسي مي‌تواند محتوای مورد نظر خود را با رعايت اين اصل تبليغ کند و پيش ببرد. هر رفتاري جز اين ضدانقلابي است. آنان که اصل حاکميت بدون قيد و

شرط ملت را نادیده می‌گیرند و به جای آن، الزام به غلبه محتوای مورد نظر خود را می‌نشانند، در واقع ضدانقلابی هستند که پوشش انقلابی دارند.

این اقدام ضدانقلابی از خلال تحریف دیدگاه امام انجام شده است. با تفاسیر عجیب و غریب، کوشیدند که رأی ملت را در نظر ایشان فرعی و غیرمهم و غیراصیل و حتی بی‌اثر جلوه دهند، در حالی که با هیچ ترفندی نمی‌توان چنین برداشتی را به مواضع امام قالب کرد. پژوهشی که درباره تحلیل محتوای کلمات امام از سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۶۸ انجام دادم، نشان داد، کلمه‌ای که بیشترین کاربرد را در همه مطالب ایشان اعم از سخنرانی یا نامه و اطلاعیه یا گفت‌وگو دارد، کلمه مردم و مترادفات آن است. ده کلمه‌ای که بیشترین کاربرد را داشتند عبارتند از:

مردم، توده، امت و... ۱۲۲ بار در هر ده هزار کلمه

اسلام و... ۱۱۱ بار در هر ده هزار کلمه

حکومت، دولت و... ۸۷ بار در هر ده هزار کلمه

خدا ۴۵ بار در هر ده هزار کلمه

ایران ۳۹ بار در هر ده هزار کلمه

استبداد، دربار، شاه و... ۳۴ بار در هر ده هزار کلمه

انقلاب، نهضت ۳۰ بار در هر ده هزار کلمه

جمهوریت، دموکراسی، رای، رفراندوم ۲۴ بار در هر ده هزار کلمه

روحانیت، آخوند، علما و... ۲۱ بار در هر ده هزار کلمه

امریکا، کاخ سفید و... ۱۵ بار در هر ده هزار کلمه

این اولویت‌ها نشان‌دهنده تأکیدهایی است که در مقام رهبری سیاسی این انقلاب و نظام برای مردم و جامعه ابراز شده است. این تأکیدها ممکن است به لحاظ محتوایی واجد تحلیل‌های گوناگونی باشد، ولی به لحاظ روشی صراحت بیشتری در حق عمومی مردم در تعیین سرنوشت خود دارد. پس انقلابی بودن وجه ممیزه يك ایرانی یا مسلمان از دیگری نیست، بلکه وجه ممیزه نسبت به حق حاکمیت ملت است و همه افراد با هر گرایش فکری و سیاسی و مذهبی و غیرمذهبی می‌توانند مشمول این صفت شوند، مشروط بر اینکه همواره بر این حق مردم در تعیین سرنوشت خود پای‌بند باشند. البته پس از این مرحله می‌توان از محتوای مورد نظر خود درباره اسلام یا... را با ویژگی‌های رفتاری و اخلاقی يك انسان انقلابی و فقط در ذیل همان قاعده کلی تبلیغ کرد و به پیش برد.

مواضع امام نیز در این مورد روشن است و قابل تحریف نیست. اگر کسی آن را قبول ندارد، یا سکوت کند یا صریحا مخالفت و آن را نقد کند، این کار به صواب نزدیک‌تر است و اتفاقا مخاطبان و طرفداران شما نیز آن را بیشتر می‌پسندند. به نظرم ایجاد جنجال میان سخنان آقای

حسن خميني نيز بيش از آنكه با هدف تخریب او باشد، معطوف به حاشیه راندن همین رویکرد مرحوم امام است.

منبع: روزنامه اعتماد 16 خرداد 1400 خورشیدی